

کاربرد اصولی قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

مهدی رحمانی منشادی^۱، احسان کارگران بافقی^۲، حامد کبیری شاه آبادی^۳

^۱ وکیل دادگستری، استاد دانشگاه فنی امام علی یزد

^۲ وکیل دادگستری، استاد دانشگاه

^۳ وکیل دادگستری، استاد دانشگاه

نویسنده مسئول:

مهدی رحمانی منشادی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۳۰-۱۹

چکیده

به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» قاعده وجوب دفع ضرر محتمل قاعده‌ای است که در اکثر کتاب‌های قواعد فقهی و فقهی مورد بررسی و پذیرش فقها قرار گرفته است و واضح است که کتب فقهی و قواعد فقهی از منابع معتبر اسلامی محسوب می‌شوند. مفاد قاعده این است که اگر احتمال ضرری پیش آید باید ضرر مزبور دفع گردد خواه ضرر مزبور دنیوی باشد یا اخروی و خواه ضرر مادی یا معنوی باشد. قاعده وجوب دفع ضرر محتمل قاعده‌ای عقلی است و به همین دلیل معنای وجوب در قاعده، وجوب ارشادی است.

از این قاعده، در اصول فقه برای اثبات حجیت احتیاط و مقدمه علمیه استفاده شده است. که ما نیز پذیرفته ایم. و همچنین برای اثبات حجیت ظن مطلق توسط اخباری‌ها و خبر واحد استفاده شده است که ما، آنها را نپذیرفته ایم.

واژگان کلیدی: قاعده فقهی، ضرر محتمل، آثار، اصول استنباط، حجیت

مقدمه

پیشرفت جامعه باعث بوجود آمدن موضوعات جدیدی می شود موضوعاتی که در گذشته نبوده است بنابراین نمی توان امید به پیدا کردن حکم آن موضوع در مسائل گذشته داشت. و نمی توان صبر کرد تا قانون جدیدی وضع شود تا تکلیف آن را روشن کند شاید سال ها طول بکشد تا قانون مورد نیاز تصویب شود. در این موارد راه حل مختلفی در پیش روی ماست یکی از این راه حل ها پیدا کردن کلیات و چهارچوبی از قوانین و تطبیق موارد جدید بر این کلیات است. گاه این چهارچوب ها آماده است مثلاً همانطور که می دانیم قانون مدنی از فقه گرفته شده است و اصول فقه و قواعد فقه چهارچوب فقه هستند پس قواعد فقه چهارچوب قانون مدنی نیز می تواند باشد. بنابراین هرگاه با واقعه جدیدی روبرو شدیم که حکمش در قانون مدنی نبود، می توان به عنوان راه حل حکم آن را با استفاده از قواعد فقه استنباط کنیم.

مبحث اول: تعریف قاعده

قاعده وجوب دفع ضرر محتمل به زبان عوام این است که هر گاه خطری دیدی احتیاط کن و از آن اجتناب کن. ولی این تعریف عوامانه مفید برای ما نیست چون ما می خواهیم از آن برای استنباط احکام استفاده کنیم. بنابراین نیاز به تعریف دقیق علمی داریم تا بدانیم ضرر چیست. ضرر محتمل چیست. حد احتیاط چقدر است. علامه مصطفوی در کتاب القواعد خود این قاعده را چنین تعریف کرده است: «چنان چه شخص احتمال بدهد که در عملی از اعمال او ضرر نهفته است دفع آن عمل بر او واجب است». (مصطفوی، ۱۴۲۳، ۳۰۷)

دکتر صفری قاعده را چنین تعریف کرده اند: «اگر ضرر و زیان احتمالی وجود داشته باشد هر چند وقوع آن محرز نشود عقلاً بر انسان لازم است که آن خسارت احتمالی را از خود یا هر شخص دیگری که مسؤولیت سرپرستی او بر عهده شخص مکلف است دور سازد چرا که عدم توجه به این مطلب و سکون و انتظار کشیدن برای ورود خسارت، مصادق قاعده اقدام و اضرار به نفس یا اضرار به غیر محسوب می شود». (صفری، ۱۳۸۹، ۸۸)

در ادامه دیگر وارد بحث های مفصل نمی شویم و از کارکرد این قاعده در اصول استنباط یا به تعبیری دیگر در اصول فقه یا به تعبیر حقوقدانان در مبانی استنباط حقوق اسلامی می پردازیم.

مبحث دوم - کارکرد های قاعده در اصول استنباط

در تعریف اصول استنباط می توان گفت: علمی جهت یافتن و احراز اعتبار حجت ها و ادله لازم برای استنباط احکام الهی است. به عبارت دیگر علمی است که در آن از قواعدی بحث می شود که در طریق استنباط احکام شرعی از ادله آنها استفاده می گردد. (صفری، ۱۳۸۹، ۲۶) و موضوع آن هر چیزی است که بتواند در طریق استنباط حکم شرعی قرار بگیرد.

نقش اصول استنباط در حقوق موضوعه آن قدر زیاد است که دکتر ابو الحسن محمدی با جمع آوری مطالب کاربردی اصول استنباط در حقوق موضوعه در کتابش، نام آن را مبانی استنباط حقوق اسلامی گذاشته است و اصول استنباط را چنین تعریف کرده است: «دانستن قواعدی است که برای استنباط حقوق اسلامی لازم است». ایشان موضوع مبانی استنباط حقوق اسلامی را، قواعد کلی و عام می داند که در استنباط حقوق اسلامی به کار می رود. (محمدی، ۱۳۸۶، ۲۲)

مبحث اول شامل پنج گفتار است که در گفتار اول به حجیت مطلق ظن، گفتار دوم به احتیاط، گفتار سوم به مقدمه علمیه، گفتار چهارم به حجیت خبر واحد و در گفتار پنجم به شبهات پرداخته می شود.

گفتار اول - حجیت مطلق ظن

منظور از حجیت مطلق ظنون، این است که تمام ظن ها حجت است و طریق حاصل شدن آن مهم نیست و گرنه در اینکه بعضی ظن ها مثل خبر واحد حجت است، شکی وجود ندارد.

در بحث حجیت مطلق ظن بنابر قول اخباری ها گفته شده ظن به حکم شرعی، ملازم با ظن به ضرر است. (انصاری دزفولی، ۱۳۷۴، ۱۰۷۵ و حکیم، ۱۴۱۳، ۳۲۲ و موسوی خویی، ۱۴۱۷، ۲۰۲۱۵ و غروی نائینی، ۱۴۱۰، ۲۱۴ و ۳، نراقی، ۱۴۲۲، ۴۱۴) و دفع ضرر محتمل از نظر عقل واجب است. (توضیح بیشتر: غروی نائینی، ۱۴۱۰، ۳۰۲۱۴) پس عمل به ظن واجب است. (نراقی، ۱۴۲۲، ۲، ۳۲۳ و قمی، ۱۳۸۸، ۱، ۴۴) البته شیخ انصاری و آخوند خراسانی، بعد از ذکر و بررسی ادله قائلین حجیت مطلق ظنون از جمله دلیل وجوب دفع ضرر محتمل، حجیت مطلق ظنون را نمی

پذیرند. (برای دیدن ادله این دو بزرگوار بر رد استدلال قائلین به حجیت مطلق ظنون از راه دلیل انسداد رک: انصاری دزفولی، ۱۳۷۴، ۱، ۱۷۵ تا ۲۱۱ و خراسانی، ۱۴۰۹، ۳۰۹ به بعد.)

با همه این مطالب باید بگوییم که مطلق ظنون دارای حجیت نیست زیرا هر گاه بعضی از اطراف علم اجمالی نسبت به یک تکلیف دیگر، توسط دلیل و اماره ای از تحت آن خارج شود، علم اجمالی نسبت به تکلیف مربوط به خود در طرف باقیمانده بی تاثیر است. مثلاً علم اجمالی به غصبی بودن آب یکی از دو ظرف الف و ب دارید، حال اگر اماره ای قائم شد که آب ظرف الف، نجس است و شما آن را دور ریختید در این حال علم اجمالی به غضبیت ادهما، در مورد آب ظرف ب بی تاثیر می شود و می توان با آن وضو ساخت. در اینجا هم این علم اجمالی ما در مورد مطلق ظنون منحل می شود به ظنون معتبر (ظنونی که دلیلی بر اعتبار آنها اقامه شده است). مثل خبر واحد و ظنون دیگر که دلیل معتبری برای حجیت آنها وجود ندارد، پس در حقیقت علم اجمالی ما در مورد باقی ظنون، از قبیل شبهه موضوعیه (مثال بالا) خواهد بود. که هم اخباری ها و هم اصولی ها در مورد شبهه موضوعیه قائل به براءت هستند. (قلی پورگیلانی، ۱۳۸۵، ۲، ۳۵ و ۳۶) ثانیاً: ما آیات و روایات دال از نهی عمل به ظن داریم و با این آیات و روایات، دیگر ما احتمال ضرر اخروی در عمل نکردن به باقی ظنون نمی دهیم.

گفتار دوم - احتیاط عقلی

اصل احتیاط عقلی یعنی اصل این است که بر ما لازم است عمل به احتیاط کنیم و طوری عمل کنیم که اگر تکلیفی در واقع و نفس الامر وجود دارد انجام داده باشیم. (مطهری، ۱۳۸۸، ۳، ۵۷)

از جانب اخباریه، یکی از ادله عقلی که برای وجوب احتیاط به آن استناد شده، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است، به این بیان که مبنای اصل احتیاط، حکم عقل به وجوب دفع ضرر محتمل است یعنی عقل به لزوم دفع ضرر محتمل حکم می کند و هرگاه در مورد ترک یا انجام دادن کاری، احتمال ضرر اخروی باشد عقل به احتیاط حکم می کند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰، ۱۱، ۳۴۲ تا ۳۴۷)

اصولیین نیز، دو مبنا برای احتیاط ذکر کرده اند یکی قاعده وجوب دفع ضرر محتمل (مشکینی، ۱۴۱۶، ۴۴) و دیگری قاعده لزوم شکر منعم است حتی از منظر بعضی تقریر ها که علما از قاعده وجوب شکر منعم داده اند قاعده لزوم شکر منعم هم به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بر می گردد چون آن ها در جواب این سوال که چرا شکر منعم واجب است؟ این جواب را داده اند چون اگر شکر منعم نکنیم عقاب می شویم (حائری بیارجمندی خراسانی، ۱۳۸۱، ۴، صدر، ۱۴۲۰، ۲۲۰ و و این همان قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است. (۱)

گفتار سوم - مقدمه علمیه

مقدمه از دیدگاه وابستگی ذی المقدمه به آن، به مقدمه وجوب، مقدمه وجود، مقدمه صحت و مقدمه علم تقسیم می شود. محل بحث ما مقدمه علمیه است. گاهی انجام کاری این فائده را دارد که انسان مطمئن شود وظیفه خود را انجام داده است، اگر چه انجام آن کار به طور مشخص و مسلم وظیفه و تکلیف او نبوده است، چنین امری را مقدمه علم یا علمیه نامند مثلاً هر گاه قبله را ندانیم، اگر به چهار جهت نماز بگذاریم مسلماً یکی از آنها رو به قبله بوده و تکلیف خود را ادا کرده ایم. در این مثال نماز گزاردن به جهت های دیگر مقدمه علمی است و موجب می شود که یقین پیدا کنیم که وظیفه خود را انجام داده ایم.

دلیل عمل به مقدمه علمیه از این باب است که در انجام اکثر مثل ترک خوردن هر دو ظرف که یکی از دو ظرف سمی است یا انجام اکثر مثل خواندن نماز به هر چهار جهت، احتمال عقاب اخروی است و از باب دفع ضرر محتمل واجب است اکثر امثال شود یا اکثر ترک شود. (قلی پورگیلانی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۳۳)

برای توضیح بیشتر می توان گفت که چون از یک طرف نمازی دفع کننده عقاب اخروی است که رو به قبله خوانده شود و از طرف دیگر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بیان می دارد که دفع ضرر احتمالی اخروی مثل دفع ضرر قطعی اخروی واجب است پس اگر بخواهیم قطع و علم پیدا کنیم که دیگر احتمال ضرر اخروی وجود ندارد و نمازمان را رو به قبله خوانده ایم باید به چهار طرف نماز بخوانیم در این صورت نماز خوانده شده رو به قبله واقعی، امثال تکلیف است و نماز های خوانده شده در سه جهت دیگر از باب مقدمه علمیه است یعنی برای این است که ما قطع پیدا می کنیم که رو به قبله نماز خوانده ایم. در حقیقت مقدمه علمیه می گوید اگر می خواهی قطع و یقین پیدا کنی که دیگر احتمال عذاب اخروی نیست باید به احتیاط عمل کنی و به چهار جهت نماز بخوانی.

گفتار چهارم - حجیت خبر واحد

خبر واحد روایتی است که از پیغمبر یا امام نقل شده ولی راوی یک نفر است و یا چند نفرند ولی به مرحله تواتر نرسیده است، یعنی در مرحله ای نیست که موجب یقین بشود. آیا چنین اخباری را می توان مبنای استنباط قرار داد یا نه؟ (مطهری، ۳، ۳۶ و ۳۷ و فیض، ۱۳۶۶، ۳۱) از جمله دلائل عقلی بر حجیت خبر واحد این است که عمل به خبر واحد از باب دفع ضرر مظنون، واجب است. (مختاری و صادقی، ۱۴۲۶، ۶۰۳) چون از خبر واحد به خصوص اگر خبر دهنده ثقه باشد برای ما ظن به حکم الهی حاصل می شود و از طرف دیگر می دانیم اگر کسی مخالفت تکلیف الهی کند قطعاً مستحق عذاب اخروی است پس به خاطر دفع ضرر اخروی ما باید به خبر واحد عمل کنیم. در مورد استدلال فوق الذکر می توان گفت که این استدلال ناکافی است چون اگر چه خبر واحد، مفید ظن به حکم است ولی از طرف دیگر آیات و روایاتی داریم که از عمل به ظن نهی کرده اند. پس اگر بگوییم اطلاق آیات و روایات نهی از عمل به ظن، شامل خبر واحد می شود دیگر احتمال ضرر اخروی وجود ندارد تا عمل به خبر واحد از باب دفع ضرر محتمل واجب باشد به همین دلیل برای استدلال به حجیت خبر واحد به کتاب و سنت استدلال می کنند و استدلال برای حجیت خبر واحد از باب دفع ضرر محتمل فقط برای تقویت ادله دیگر است.

گفتار پنجم - کارکرد قاعده در شبهات حکمیه و موضوعیه

در این گفتار از کارکرد قاعده در شبهات حکمیه و موضوعیه بحث می شود. (قلی پورگیلانی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۵) قبل از شروع بحث به تعریف شبهه حکمیه و موضوعیه و انواع شبهه حکمیه پرداخته می شود. شبهه حکمیه، شبهه در حکم کلی فرعی الهی است مانند شک در حرمت یا اباحه استعمال توتون؟ یا شک در اینکه آیا موضوع حکم وجوب نماز در ظهر جمعه، نماز جمعه است یا نماز ظهر؟ شبهه موضوعیه عبارت است از شبهه و شک در موضوع جزئی خارجی حکم شرعی مانند شک در این که آیا این آب، طاهر است یا نه؟ و یا اینکه آیا این آب کر است یا نه؟

ما دو نوع شبهه حکمیه داریم. یا شک در تکلیف است مانند شک در حرمت یا حلیت استعمال توتون و یا شک در مکلف به و موضوع تکلیف است مانند شک در وجوب نماز جمعه یا وجوب نماز ظهر در ظهر روز جمعه در عصر غیبت. (قلی پورگیلانی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۶) نوع اول که شک در نفس تکلیف است بر دو گونه می باشد، یا شک در تکلیف غیر الزامی است که در این مورد همه اصولی ها حکم به برائت داده اند یا شک در تکلیف الزامی است که مباحث آن شامل سه قسم شبهه تحریمیه، شبهه وجوبیه، دوران امر بین محذورین است. (قلی پورگیلانی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۷)

بنابراین در این گفتار در چهار بند به بررسی شبهات پرداخته می شود. بند اول مربوط به شبهه تحریمیه، بند دوم مربوط به شبهه وجوبیه، بند سوم مربوط به دوران بین محذورین و بند چهارم مربوط به شبهه تحریمیه مکلف به است. شبهه موضوعیه نیز در پایان هر بحث به مناسبت، مطرح می شود. البته از تمامی این موارد بحث نمی شود بلکه فقط از مواردی بحث می شود که در آن بعضی به خاطر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، قائل به احتیاط شده اند یا اینکه احتمال احتیاط به خاطر قاعده داده شده است. (قلی پورگیلانی، ۱۳۸۵، ۲، ۱۷).

بند اول - شبهه تحریمیه

در صورتی که شک در حرمت یا حکم دیگری غیر از وجوب یعنی استحباب، کراهت، اباحه باشد، شبهه تحریمیه نامیده می شود. (صفری، ۱۳۸۹، ۲، ۸۷) شبهه تحریمیه به سه صورت شبهه حکمیه تحریمیه فقدان نص، شبهه حکمیه تحریمیه اجمال نص، شبهه حکمیه تحریمیه تعارض نصین قابل تصور است که به ترتیب مورد بحث قرار می گیرند. در پایان نیز شبهه موضوعیه تحریمیه مورد بررسی قرار می گیرد.

نخست - شبهه حکمیه تحریمیه ناشی از فقدان نص

چنانچه حکم مسأله ای برای ما مجهول باشد و دلیلی نیز از شارع یافت نشود با فقدان نص مواجه هستیم. موضوع بحث در جایی است که مکلف در حکم چیزی مثل استعمال توتون شک می کند که آیا حرام است یا حلال؟ و در مورد آن هیچ دلیلی از ادله اربعه چه به صورت خاص، مثل روایت مخصوص به آن موضوع و چه به صورت کلی و عام وجود ندارد. در شبهه حکمیه تحریمیه فقدان نص دو نظر وجود دارد:

- ۱- قول اصولیین این است که به خاطر قاعده قبح عقاب بلا بیان، برائت جاری می شود.
- ۲- قول اکثر اخباریین این است که اصل احتیاط جاری می شود و ترک مشتببه به حرمت به خاطر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل واجب است. (قلی پورگیلانی، ۱۳۸۹، ۲، ۱۸ و صفری، ۱۳۸۹، ۲۹)

اخباری ها برای جاری شدن اصل احتیاط ادله ای از کتاب و سنت و عقل ارائه کرده اند که در اینجا فقط از ادله عقلی آنها که قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است، بحث می کنیم. دلیل عقلی اخباری ها این است که اصل اولی در افعال اختیاری، منع و حظر است، مگر آن که در شرع، دلیلی بر حلیت و جواز داشته باشیم، حال در شبهه تحریمیه فقدان نص، دلیلی بر اباحه نداریم و از طرفی، ادله دال بر براءت نیز با اخبار احتیاط متعارض بوده و در نهایت تساقط می کنند و مرجع همین اصل اولی خواهد شد.

دلیل اخباری ها بر اصله الحظر این است که از نظر عقل محتمل المفسده مثل معلوم المفسده است یعنی از نظر عقل هر جا احتمال حکم حرمت دادیم به تبع آن احتمال عذاب اخروی می دهیم و با توجه به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل باید حکم به حرمت دهیم. جواب اصولیین از جمله شیخ انصاری به ادعای اخباری ها این است که ایشان اجرای قاعده وجوب دفع ضرر محتمل را هم در ضرر اخروی و هم در ضرر دنیوی قبول کرده است و بر مبنا بودن این قاعده به عنوان یکی از مبانی احتیاط عقلی، ایرادی نگرفته است ولی شبهه حکمیه تحریمیه را به دلایل ذیل به عنوان یکی از مصادیق آن قاعده نمی داند.

اولا وظایف انسان همان احکام واقعیه ای هستند که در ضمن ادله شرعی به ما رسیده است و غیر از آن هر چه باشد مورد توجه قرار نمی گیرد. لذا از نظر ایشان ظن تفصیلی، حکم علم تفصیلی را دارد و موجب انحلال علم اجمالی است پس اگر احکامی باشند که به ما نرسیده باشد چون ما در مقابل احکام وصولی، مسؤول هستیم دیگر احتمال ضرر اخروی وجود ندارد، تا قاعده وجوب دفع ضرر محتمل جاری شود.

ثانیا حتی اگر بپذیریم که وظیفه ما منحصر احکام واقعیه می باشد، باز هم علم اجمالی در اینجا بی تاثیر است و مفید وجوب احتیاط نیست، زیرا هرگاه بعضی از اطراف علم اجمالی نسبت به یک تکلیف دیگر توسط دلیل و اماره ای از تحت آن خارج شود، علم اجمالی نسبت به تکلیف مربوط به خود، در طرف باقیمانده بی تاثیر است. مثلا علم اجمالی به غصبی بودن آب یکی از دو ظرف دارید، حال اگر اماره ای قائم شد که آب ظرف «الف» نجس است و شما آن را دور ریختید، در این حال علم اجمالی به غصبی بودن یکی از دو ظرف، در مورد آب ظرف «ب» بی تاثیر می شود و می توان با آن وضو گرفت. پس حتی اگر وظیفه ما امثال احکام واقعی باشد، در اینجا علم اجمالی به وجوب امثال تمام تکالیف داریم که این علم اجمالی ما منحل می شود به ۱- تکالیفی که توسط دلیل شرعی قطعی یا توسط دلیل شرعی ظنی به ما رسیده که حکم آنها مشخص است، ۲- تکالیفی که حکم آن مجهول است. پس در حقیقت علم اجمالی ما در مورد تکالیف مجهول از قبیل شبهه موضوعیه خواهد بود که اخباری ها نیز در مورد شبهه موضوعیه قائل به براءت هستند. (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۹، ۲، ۳۵ و ۳۶)

علاوه بر ادله ای که ذکر شد، بنابر مبنای ما و همچنین مبنای اصولی ها باید قبل از اجرای قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بیانی باشد تا احتمال ضرر اخروی برود و اگر بیانی نباشد اصلا احتمال ضرر اخروی وجود ندارد تا قاعده وجوب دفع ضرر محتمل جاری شود. در شبهه حکمیه تحریمیه فقدان نص نیز چون اصلا بیانی وجود ندارد پس قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری می شود و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل جاری نمی شود.

دوم - شبهه حکمیه تحریمیه ناشی از اجمال نص

اجمال نص بر دو قسم است. قسم اول بدین گونه است که لفظی که دال بر حکم شرعی است، مجمل باشد مانند اینکه نهی بدون قرینه ای آمده و ما چون عقیده به اشتراک لفظی نهی در حرمت و کراهت داریم، نمی دانیم مراد حرمت است یا کراهت؟

قسم دوم بدین گونه است که لفظی که دال بر موضوع و متعلق حکم است، مجمل است که خود دو نوع است. در نوع اول، اجمال در معنای لغوی آن است مانند غناء که نمی دانیم برای چه معنایی وضع شده است، لذا در مورد بعضی موسیقی ها، شک می کنیم که حرام است یا نه؟ در نوع دوم، در ظهور و مراد متکلم، اجمال است مثلا خمر حرام شده است و ما نمی دانیم که آیا مراد، اعم از خمر مسکر و غیر مسکر است؟ در اینجا هم اطلاقی نداریم که به آن تمسک کنیم.

قول اخباری ها و دلایل آن، همان است که در شبهه حکمیه تحریمیه اجمال نص آمد. علاوه بر آن ادله، دلیل دیگری که می توان ذکر کرد این است که اگر در فقدان نص حکم به وجوب احتیاط و حرمت دادیم در اینجا که روایتی وجود دارد به طریق اولی باید حکم به حرمت دهیم.

قول اصولی ها از جمله شیخ انصاری این است که در شبهه تحریمیه اجمال نص نیز براءت جاری است. از آنجا که همان آراء و اختلافات و ادله مطرح شده در فقدان نص اینجا هم مطرح شده است (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۹، ۲، ۴۶ و ۴۷) از تکرار مطالب خودداری می کنیم و فقط به ذکر این نکته بسنده می کنیم که اگر چه اخباری ها قائل به احتیاط به خاطر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل شده اند ولی اصولی ها از جمله شیخ انصاری بدون انکار قاعده، گفته اند این مورد از مصادیق اجرای قاعده نیست و با عدم وجود مانع، اصل براءت جاری می شود که نظر صحیح همین است.

سوم - شبهه حکمیه تحریمیه ناشی از تعارض دو نص

فرض مساله در جایی است که دو دلیل متعارض، یکی دال بر حرمت و دیگری دال بر حکم دیگری غیر وجوب است و هیچکدام نیز بر دیگری مزیتی ندارد. احتمال اینکه به خاطر همان ادله فقدان نص، در اینجا حکم به وجوب احتیاط و اخذ جانب حرمت داده شود، وجود دارد. قول اصولی ها از جمله شیخ انصاری این است که اقوی اجرای اصل برائت و عدم وجوب احتیاط است، زیرا دلیلی به جز ادله احتیاط که مفصلا در شبهه حکمیه تحریمیه فقدان نص جواب داده شد و مرفوعه زراره که در خصوص تعارض دو روایت دستور به احتیاط داده است که آن هم ضعف سندی دارد، در مساله وجود ندارد. از طرف دیگر دو روایت متعارض، به مقتضای اخبار علاجیه (۳) ساقط می شوند (۴) و بعد از تساقط اخبار، شخص مخیر است و چون دیگر به مقتضای روایات علاجیه، شخص مخیر است دیگر احتمال ضرری نمی رود تا محلی برای اجرای قاعده وجوب دفع ضرر محتمل باقی بماند.

چهارم - شبهه تحریمیه موضوعیه

محل بحث شبهه موضوعیه جایی است که حکم برای ما روشن باشد و لیکن به خاطر اشتباه در بعضی امور خارجی به شک افتادیم. (گرجی، ۱۴۲۱، ۱۷۲) مثلاً در خصوص حکم شرب لیوانی به خاطر شک در خمر یا سرکه بودن، شک داریم که حرام است یا حلال؟ عامل شک، امور خارجی است.

در اینجا همه اخباری ها و اصولی ها از جمله شیخ انصاری در شبهه تحریمیه موضوعیه قائل به برائت هستند بنابراین ارتکاب مشتبّه جایز است. علاوه بر ادله برائت، روایات زیادی داریم که برخی در خصوص شبهه موضوعیه و برخی نیز اعم شبهه موضوعیه است (۵) این علماء چنین استدلال کرده اند که: «قانون وجوب دفع ضرر محتمل در شبهه موضوعیه، جاری نیست زیرا در مورد ضرر اخروی، بیان در اینجا تمام نیست، لذا عقابی نیست.»

قول احتمالی این است که در شبهات موضوعیه قائل به احتیاط شویم، چون که ما عموماً بر حرمت خمر داریم، پس از باب مقدمه علمیه و مفاد قاعده وجوب دفع ضرر محتمل باید از هر چه که احتمال خمر بودن می دهیم، اجتناب کنیم.

جواب قول احتمالی این است که در شبهات موضوعیه، کبری «الخمر حرام» تمام است، اما صغری «هذا خمر» مسلم نیست لذا عقاب در این موارد از مصادیق عقاب بلا بیان است. (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۹، ۴۹).

بر اصولی ها و اخباری ها که قائل به برائت شده اند اشکال شده است با این بیان که همه ما می دانیم یکی از مثال های رایج در مورد وجوب دفع ضرر محتمل، احتمال سم بودن آبی است که قصد نوشیدن آن را داریم. اگر در این مورد دقت کنیم، واضح است که مثال از مصادیق شبهه موضوعیه است. حال اگر در موضوع شبهه موضوعیه تحریمیه قائل به برائت شویم، این سوال پیش می آید چرا بین حکم عقل و شرع تفاوت است؟ شاید به علت پیش آمدن تناقض بین حکم عقل و حکم شرع، برخی از جمله مرحوم آخوند احتمال احتیاط را در خصوص لیوانی که نمی دانیم سم یا آب است مطرح کرده اند.

در مقابل این اشکال، می توان گفت: اهمیت محتمل ها یکسان نیست، در مورد حکم عقلی عدم جواز شرب مایعی که در سم بودن آن شک داریم، در صورت درست بودن احتمال، قطع به هلاکت داریم ولی در مورد شبهه موضوعیه ضرر اخروی، به خاطر ادله برائتی که در خصوص این موضوع وارد شده اند، قطع به حرمت و به تبع هلاکت نداریم. پس در مورد شبهه موضوعیه اگر احتمال عذاب اخروی دادیم به خاطر روایات دال بر برائت، اجتناب لازم نیست، ولی اگر احتمال ضرر دنیوی شدید مثل مرگ و بیماری طولانی دادیم، اجتناب لازم است. شاید به همین دلیل احتمال ضرر دنیوی مرحوم آخوند قائل به حرام بودن چنین آبی شده است و نظر ایشان در شبهه موضوعیه مثل دیگران، برائت است. (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۹، ۴۹ و ۵۰)

در نتیجه در شبهه تحریمیه موضوعیه، باید قائل به تفصیل شویم، اگر احتمال ضرر دنیوی شدید مثل مرگ و بیماری طولانی در اثر خوردن دارویی خاص دادیم باید دفع ضرر محتمل دنیوی کنیم، ولی در مورد ضرر اخروی، برائت جاری است.

بند دوم - شبهه وجوبیه

در صورتی که شک در وجوب چیزی است بدون آنکه احتمال حرمت در آن مطرح باشد به آن شبهه وجوبیه گفته می شود. (صغری، ۱۳۸۹، ۲۳ و ۸۷) از شبهه وجوبیه، فقط شبهه موضوعیه وجوبیه را بحث می کنیم چرا که در میان شبهات وجوبیه تنها این شبهه است که در آن گروهی در آن به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل استناد کرده اند.

هرگاه مکلف بداند که موضوع یک حکم وجوبی در عالم خارج محقق شده ولی به واسطه تردد آن بین چند مصداق، قادر به تعیین آن نباشد، به آن شبهه موضوعیه وجوبیه گویند. (۶) همان مباحث شبهه موضوعیه تحریمیه در اینجا نیز مطرح شده است، از جمله اینکه اولاً ممکن است از باب مقدمه علمیه که از نتایج قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است، حکم به احتیاط کنیم و ثانیاً اصولیین و اخباریین قائل به براءة اند. (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۹، ۲، ۶۳)

بند سوم - شبهه حکمیه ناشی از دوران امر بین محذورین

گاهی به طور اجمالی علم داریم که حکمی الزامی وجود دارد ولی نوع الزام برای ما مشخص نباشد به عبارت دیگر، بدانیم که ملزم به چیزی هستیم اما اینکه الزام به انجام کاری داریم یا الزام به ترک آن، مشخص نباشد در این حال تردید میان وجوب و حرمت است و در اصطلاح علم اصول آن را دوران بین محذورین می نامند. (صفری، ۱۳۸۹، ۹۰) دوران بین محذورین ممکن است به خاطر فقدان نص، اجمال نص و تعارض نصین باشد که به ترتیب مورد بررسی قرار می گیرند.

نخست - دوران بین محذورین بر اثر فقدان نص

دوران بین محذورین، شک در تعیین حرمت یا وجوب همراه با علم اجمالی به وجود یکی از آن دو حکم است. (صفری، ۱۳۸۹، ۸۷) به عنوان مثال در وجوب جواب سلام بر کسی که مشغول نماز است، فقهایی امت در قالب دو فتوی اختلاف کرده اند، گروهی فتوی به وجوب و گروهی هم فتوی به حرمت داده اند به طوری که علم به بطلان فتوای ثالث داریم.

می توان چنین گفت که در دوران بین محذورین در موردی که واقعه یکی باشد باید توقف کرد چون از یک طرف مجبور به دادن فتوی نیستیم و از طرف دیگر اگر جانب حرمت را اخذ کنیم احتمال تشریع وجود دارد چون با نبودن روایت حکم به حرمت دادیم و همین اشکال جاری است اگر جانب وجوب اخذ کنیم.

در دوران بین محذورین در صورتی که واقعه متعدد باشد، تخییر استمراری عقلی حاکم است چون در موردی که دو ضرر محتمل دارای اهمیت یکسان و درجه احتمال یکسان باشند، وجوب دفع هر دو ضرر محتمل تساقط می کنند و در این صورت شخص مخیر است. نظر شیخ انصاری نیز همین است اگر چه ایشان دلایل متفاوتی ذکر کرده اند. (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۹، ۲، ۶۷ تا ۷۰)

دوم - دوران بین محذورین بر اثر اجمال نص

نص ممکن است به یکی از دو صورت ذیل اجمال داشته باشد:

۱- اجمال در هیأت داله بر حکم مانند اینکه فعل امری وارد شده است و ما نمی دانیم مفید وجوب است و یا برای تهدید کردن صادر شده است چون امر گاهی برای تهدید است مثل انجامش بده در مورد فعل بد که بدین معنی است که اگر جرات داری انجامش بده است.

۲- اجمال در لفظ دال بر موضوع حکم مانند اینکه امر به تحرز و دوری از چیزی وارد شده است و ما نمی دانیم، آیا مراد دوری از انجام آن است یا دوری از ترک آن؟ مانند «تحرز عن رغبه النکاح» که اجمال در معنای رغبت است که آیا به معنای تمایل است یا به معنای اعراض.

نظر شیخ انصاری این است که در واقعه واحده توقف اقوی است و در مورد تعدد واقعه، تخییر استمراری عقلی حاکم است. ادله و مباحث مطرح شده در مساله قبلی، اینجا نیز مطرح است. (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۹، ۲، ۷۱)

سوم - دوران بین محذورین بر اثر تعارض ادله

مانند اینکه دو دلیل متعارض، یکی مفید وجوب امری در شریعت و دیگری مفید حرمت همان امر است. نظر شیخ انصاری، تخییر شرعی استمراری است در حالی که نظر علامه، عضدی، آملی اخذ جانب حرمت است یعنی اخذ جانب دلیلی که بر حرمت دلالت می کند که ادله آنها همان ادله ای است که در دوران بین محذورین بر اثر اجمال نص آمد و رد شد. (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۹، ۲، ۷۲)

در مورد نظر دوم باید گفت همانطور که می دانید در تعارض ادله، ابتدا بحث جمع ادله مثل ورود و حکومت مطرح می شود و اگر جمع ادله امکان نداشت مثل اینجا تساقط دو دلیل پیش می آید و نوبت به اصل تخییر می رسد و از آنجا که در اینجا شخص به خاطر روایات وارده مخیر است دیگر احتمال ضرری وجود ندارد تا قاعده وجوب دفع ضرر محتمل جاری شود.

بند چهارم - شبهه تحریمیه مکلف به

ما در این بند فقط از شبهه موضوعیه تحریمیه مکلف به، بحث می شود چرا که تنها در خصوص این شبهه بوده است که فقها از قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بحث کرده اند.

این مساله در دو نوع شبهه محصوره و شبهه غیر محصوره (۷) قابل تصور خواهد بود زیرا اطراف شبهه یا محدود است یا غیر محدود (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۵، ۷۷). ولی در اینجا به همان دلیل فوق الذکر فقط از شبهه محصوره بحث می شود و در انتها به بررسی حکم علم اجمالی در موارد دیگر پرداخته می شود.

نخست - شبهه محصوره موضوعیه تحریمیه مکلف به

مباحث مربوط به این قسمت، شامل دو مقام است که مورد بررسی قرار می گیرد. مقام اول این است که آیا مخالفت قطعی با علم اجمالی به صورت ارتکاب جمیع اطراف شبهه که همانا نادیده گرفتن علم اجمالی است، جایز است یا نه؟ مثلاً در جایی که علم اجمالی به خمر بودن یکی از دو ظرف مشتبه داریم، حال آیا شرب هر دو ظرف جایز است یا نه؟ در اینجا شبهه و تردید در مکلف به یعنی ظرف است، یعنی آیا آن ظرف، لازم الاجتناب است؟ بحث مقام دوم این است که آیا موافقت قطعی با علم اجمالی که عبارت باشد از احتیاط و اجتناب، از هر دو ظرف واجب است یا نه؟

۱- حرمت مخالفت قطعی با علم اجمالی در شبهه محصوره تحریمیه مکلف به، مورد بحث ما نیست. اما نظر شیخ انصاری در این مورد این است که: حق، حرمت مخالفت عملیه قطعی در شبهه موضوعیه محصوره تحریمیه مکلف به است و حرمت آن ذاتی مانند قبح برای ظلم است. (قلی پور گیلانی، ۱۳۸۵، ۷۷ و ۷۸)

۲- بررسی وجوب موافقت قطعی با علم اجمالی در شبهه محصوره تحریمیه مکلف به.

نظر مشهور و شیخ انصاری بر این است که موافقت قطعی واجب است. از جمله ادله شیخ انصاری این می باشد: «علم اجمالی همچون علم تفصیلی منجز تکلیف است پس همانطور که خمر معلوم به تفصیل، حرام است، خمر معلوم اجمالی نیز حرام و واجب الاجتناب است.» در این صورت به خاطر علم اجمالی از باب مقدمه علمیه، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل (حسینی روحانی، ۱۳۸۷، ۱۰۸، ۱) ، اجتناب از جمیع اطراف آن به حکم عقل واجب است. (انصاری دزفولی، ۱۳۸۵، ۲، ۲۴۹)

در بررسی نظر شیخ انصاری می توان گفت، شبهه محصوره همانطور که از اسمش پیداست به شبهه ای گویند که مصادیق شبهه محدود و معین باشند در این صورت، با وجود مقتضی یعنی یقین پیدا کردن به عدم احتمال ضرر با ترک جمیع اطراف شبهه و عدم مانع یعنی عدم عسر و حرج، احتیاط و ترک تمامی اطراف شبهه واجب است.

دوم - بحث از حکم علم اجمالی در موارد دیگر

در اینجا ابتدا از منجز بودن علم اجمالی نسبت به حکم وضعی و سپس از اثر علم اجمالی در شبهات محصوره تدریجی الحصول بحث می شود.

الف - منجز بودن علم اجمالی نسبت به حکم وضعی

مثلاً خمر دارای دو دسته از احکام شرعیه است. احکام تکلیفیه مانند حرمت شرب و حرمت خرید و فروش و احکام وضعیه مانند اجرای حد برای مصرف کننده آن. حال سؤال این است که در مواردی که علم اجمالی به خمر بودن یکی از دو ظرف داریم، همانطور که علم اجمالی به خاطر مقدمه علمیه، منجز حرمت شرب است و از این جهت مخالفت قطعی حرام و موافقت قطعی آن واجب است، آیا نسبت به اجرای حد شرب خمر نیز همین حکم جاری است یعنی اگر کسی یکی از دو ظرفی را که علم اجمالی به خمر بودن یکی از آنها داریم را مصرف کند، حد بر او جاری می شود؟

شیخ انصاری تنجیز آن را در احکام وضعی نمی پذیرد زیرا دلیل تنجیز آن در احکام تکلیفی، حکم عقلی اصاله الاحتیاط و الاشتغال و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است چرا که احکام تکلیفی با عقاب اخروی همراه است. اما این دلیل عقلی در احکام وضعی وجود ندارد. (انصاری دزفولی، ۱۳۸۵، ۹۱ و مطهری، ۱۳۸۸، ۳، ۱۵) و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، صدق نمی کند چرا که ترک حکم وضعی عقاب اخروی به همراه ندارد.

ب - علم اجمالی در شبهات محصوره تحریمیه تدریجیه الحصول

اگر اطراف علم اجمالی به تدریج به وجود بیاید، به آن تدریجی الحصول گویند. مثال صورت تدریجی الوجود این است که زنی وقت حیض شدنش را فراموش کرده است و تمام ماه خون می بیند، علم اجمالی دارد که در هر ماه سه روز حیض است یعنی در یک دهم ایام از سی روز آمیزش حرام است و چون نسبت سه روز حرام در میان یک ماه یک دهم است، شبهه محصوره است و نیز تحقق ایام و آمدن آن تدریجی است.

نظر شیخ انصاری در اینجا این است که موافقت قطعی واجب و مخالفت قطعی حرام است. دلیل شیخ انصاری این است که، هر جا شرایط تنجیز علم اجمالی موجود باشد، چه در امور فعلی و چه تدریجی الحصول، موافقت قطعی واجب و مخالفت قطعی حرام خواهد بود چرا که قاعده اشتغال و مقدمه علمیه از نتایج قاعده وجوب دفع ضرر محتمل در تمام موارد آن جاری است. (قلی پور گیلانی، ۹۴، ۲، ۳۸۵ و ۹۵)

در بررسی این نظر می توان گفت، در شبهه محصوره حکم حرمت است و در این مورد فرقی نمی کند تدریجی الحصول یا دفعی الحصول باشد چون اجتناب از تمامی افراد شبهه از باب مقدمه علمیه واجب است و دلیل آن همان دلیل ذکر شده در شبهه محصوره است.

نتیجه

از بررسی انجام شده در قلمرو فقه امامیه و حقوق ایران این نتیجه بدست می آید که قاعده وجوب دفع ضرر محتمل قاعده ای مستقل است که در فقه امامیه به طور خاص و جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. از این قاعده در اصول فقه برای اثبات حجیت احتیاط و مقدمه علمیه استفاده شده است که ما نیز پذیرفتیم که برای اثبات حجیت احتیاط هم اصولین و هم اخباری ها به قاعده وجوب دفع ضرر محتمل استناد کرده اند. و همچنین برای اثبات حجیت ظن مطلق توسط اخباری ها و خبر واحد استفاده شده است که ما آنها را نپذیرفتیم. که درباره خبر واحد گفتیم که برای حجیت خبر واحد ادله ای مثل کتاب و سنت آمده است و با بودن این ادله نوبت به این قاعده نمی رسد چون دیگر احتمالی وجود ندارد. و در مورد اثبات حجیت ظن مطلق توسط این قاعده گفتیم که بله اگر علم اجمالی باقی بود می شد به این قاعده استناد کرد ولی علم اجمالی ما منحل می شود به ظنون معتبر که از کتاب و سنت دلیل بر حجیت آن آورده شده است که دیگر جایی برای قاعده وجوب دفع ضرر محتمل باقی نمی ماند چون دیگر احتمالی باقی نمی ماند و علم اجمالی به ظنون غیر معتبر که اینجا چون شبهه موضوعیه است محل اجرای قاعده برائت است.

آخرنویس

- ۱- تقریر دوم لزوم شکر منعم این است که: عدم شکر منعم آن را در معرض زوال قرار می دهد و شکر منعم متوقف بر شناخت خداست تا شکر منعم در حد شان خدا باشد. (نجفی، ۲۶)
- ۲- آقای حسینی روحانی تصریح کرده است اجتناب از جمیع اطراف شبهه از باب وجوب دفع ضرر محتمل واجب است.
- ۳- در اوائل دوره اول «عصر تسیر و تبیین» نقل حدیث چندان شیوع نداشت ولی در زمان صادقین علیهما السلام نقل حدیث شیوع پیدا کرد. در این بین افرادی هم پدید آمدند که به دواعی مختلف اخباری دروغ جعل کردند. لذا در میان اخبار، تعارض پدید آمد. راویان از امامان جویای علاج معارضه شدند، از ناحیه امامان روایاتی در این زمینه وارد شد که به اخبار علاجیه معروفند. مفاد این اخبار غالباً ترجیح یکی از متعارضین است بر دیگری، به پاره‌ای از صفات راوی و روایت و غیرها و در صورت تساوی متعارضین، تخییر و بنا بر بعضی از روایات در صورت تساوی، احتیاط یا توقف. (گرگی، ۱۲۱، ۱۴۲۱)
- ۴- چون اینجا محل تعارض خبرین است برای همین باید احکام باب تعارض اخبار جاری شود که ابتدا باید دنبال مرجحات بود و بعد بحث تساقط پیش می آید.
- ۵- مانند «کل شی لک حلال حتی تعلم انه حرام»
- ۶- «تعریف با استفاده از گرفتن قدر متیقن از تعریف شبهه موضوعیه محصوره و غیره محصوره» (رجحان، ۱۳۸۹، ۲۱۸ تا ۲۲۰)
- ۷- «شبهه غیر محصوره در صورتی است که موارد خارجی آن تکلیف به قدری زیاد باشد که دچار شدن به تمام آن عادتاً ممکن نباشد.» (صفری، ۱۳۸۹، ص ۹۴)

منابع

منابع عربی

۱. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، فرائد الاصول «مشهور به رسائل»، ج ۱، انتشارات مصطفوی، قم، ایران، ۱۳۷۴ ه.ق.
۲. احمد بن محمد هادی، عوائد الایام، در یک جلد، گنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، قم، ایران، اول، ۱۴۲۲ ه.ق
۳. حکیم، عبد الصاحب، منتقى الأصول (تقریرات سید محمد حسین روحانی)، چاپخانه امیر، قم، ایران، اول، ۱۴۱۳ ه.ق
۴. حائری بیارجمندی خراسانی، یوسف، مدارک العروه، (۳ جلد)، ج ۱، مطبعة النعمان، نجف اشرف، عراق، اول، ۱۳۸۱
۵. حسینی روحانی قمی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام (لروحانی)، ۲۶ جلد، ج ۱، قم، ایران، ۱۳۸۷
۶. غروی نائینی، میرزا محمد حسین، فوائد الاصول (القواعد الفقهیه)، در یک جلد، کتابفروشی مصطفوی، قم، ایران، دوم، ۱۴۱۰ ه.ق
۷. صدر، رضا، الاجتهاد و التقليد، الحوزه العلمیه بقم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر، قم، ایران، ۱۴۲۰ ق
۸. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الأصول (قاعدة الفراغ و الصحة و... الاجتهاد و التقليد)، در یک جلد، کتابفروشی داوری، قم، ایران، پنجم، ۱۴۱۷ ه.ق
۹. مختاری، رضا- صادقی، محسن، رؤیت هلال، ۵ جلد، ج ۱، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ایران، اول، ۱۴۲۶ ه.ق
۱۰. مصطفوی، سید محمد کاظم، القواعد (منه قاعدة فقهیه)، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ایران، اول، ۱۴۲۳ ه.ق
۱۱. نراقی، مولی مشکینی، میرزا علی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، در یک جلد، نشر الهادی، قم، ایران، ششم، ۱۴۱۶ ه.ق
۱۲. نراقی، مولی احمد بن محمد هادی، عوائد الایام، در یک جلد، گنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، قم، ایران، اول، ۱۴۲۲ ه.ق
۱۳. نجفی، محمد حسین بن علی بن محمد رضا، مبادئ الإيمان، مؤسسه کاشف الغطاء

منابع فارسی

۱۴. رجحان، سعید، مبانی استنباط احکام در حقوق اسلامی و حقوق موضوعه، تهران، ایران، دانشگاه امام صادق (ع)، اول، ۱۳۸۹ ه.ش
۱۵. صفری، محسن، دلیل عقلی مستقل (مستقلات عقلی)، مؤسسه انتشارات دادگستر، تهران، ایران، اول، زمستان ۱۳۸۹
۱۶. فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۳۶۶
۱۷. قلی پور گیلانی، مسلم، تلخیص فرائد الاصول شیخ انصاری ج ۱ و ۲ (برائت، احتیاط، تخییر)، انتشارات قدس، قم، ایران، سوم، پائیز ۱۳۸۵ ه.ش
۱۸. گرجی، ابو القاسم، تاریخ فقه و فقها، در یک جلد، مؤسسه سمت، تهران، ایران، سوم، ۱۴۲۱ ه.ق
۱۹. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۱۳۸۶